



# در توفان برگ‌های خشک می‌ریزند نه شاخه‌های پیوسته به ریشه

مدیرمسئول

در این شماره از «فرهنگ پویا» صاحبان اندیشه و قلم با تمرکز بر موضوع فتنه، زوایایی از ماهیت فتنه و عوامل سبب‌ساز، زمینه‌ساز و برانگیزاننده آن را از صدر اسلام تاکنون بازگو نموده‌اند. این شماره از نشریه، از این جنبه که در فضای التهاب‌آمیز پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری ظهور و تدوین یافته است، می‌تواند برای مخاطبان خود توجه‌برانگیز باشد. فتنه پس از انتخابات، پدیده منحصر به فردی بود که به تنهایی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته است. این فتنه ذهنیت تمامی ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی را از مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) تا قوای سه‌گانه و همه تشکیلات ذی‌ربط به خود مشغول داشت و سایه شومش را بر سر امت اسلام و حواشی نظام اسلامی گستراند.

گرچه به لطف و عنایت الهی و با درایت و هشیاری رهبری والای انقلاب، آتش فتنه فروکش کرد و علم برافراشته و شیطانی آن بر زمین افتاد، اما هنوز ضربان کلیت فتنه در سینه فتنه‌طلبان می‌تپد و مردمک فتنه‌طلبان در کاسه چشم آنان می‌چرخد و تا از کار انداختن قلب فتنه و بیرون افکندن مردمک چشم فتنه‌گران، راهی طولانی در پیش است و باید زحمت و رنج فراوان کشید و خون دل زیاد خورد. بدیهی است نقش رهبر عظیم‌الشان انقلاب در هدایت انقلاب و مردم به سمت برون‌رفت از فتنه و خشکاندن ریشه‌های آن، بی‌نظیر و بی‌بدیل است. در این میان، بصیرت و هشیاری کامل اقشار مختلف مردم بسیار حائز اهمیت است. مهمترین عامل زمینه‌ساز برای بهره‌برداری موج‌سواران فتنه را باید در غفلت و ناهشیاری مردم جستجو کرد. متقابلاً مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز برای جلوگیری از نفوذ فتنه و برون‌رفت از آن را باید بصیرت و هشیاری مردم دانست.

قرآن فتنه را به مراتب زیان‌بارتر از کشت و کشتار دانسته است، آنجا که می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ». از این رو، فتنه‌برانگیزان ویرانگرتر و پست‌تر از قاتلانند. آتش فتنه در اندک زمان ممکن، دامن اسلام و اهل اسلام را فرا می‌گیرد و دود ناشی از آن در چشم نسل حاضر و نسل‌های آینده فرو می‌رود. بروز فتنه آرامش و آسایش روحی و روانی جامعه را بر هم می‌زند و قرار از کف مردم می‌رباید و سرمایه‌های سرشار انسانی، ملی، فرهنگی و اجتماعی را هدر می‌دهد. رنج‌های ناشی از فتنه غیرقابل تحمل و هزینه‌های لازم برای تقابل با آن سرسام‌آور است. فتنه امور را بر مردم مشتبه می‌سازد، باطل را حق و حق را باطل جلوه می‌دهد، حق و باطل را در هم می‌آمیزد و بر پیکره دین، معرفت و ارزش‌های والای الهی می‌تازد.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) هواپرستی و نوآوری‌های جاهلانه در دین را دو عامل زیربنایی و اساسی برای بروز و ظهور فتنه در جامعه اسلامی برشمرده‌اند. از این دو عامل یکی جنبه گرایشی و دیگری جنبه بینشی دارد؛ گرایش به هوا و هوس‌رانی و بینش التقاطی و انحرافی، دست در دست هم نقطه آغازین و پیدایش فتنه به شمار می‌رود. هواپرستان در مجموع به منظور تأمین و تدارک امیال و خواسته‌های خویش، دین خدا را مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مانع سر راه خود می‌بینند. آنان به ناچار یا باید دین خدا را از سر راه بردارند و یا در صورت ناتوانی از حذف دین، به بدعت‌گذاری و تحریف در دین بسنده کنند. نظر به این‌که از مبارزه و معارضه مستقیم و رودررو با دین ناتوانند، گزینه دوم یعنی نوآوری‌های جاهلانه و تحریف در آموزه‌ها و ارزش‌های دینی را برمی‌گزینند تا با خیالی آسوده، اغراض نفسانی و شهوانی خود را در پرتو دین و دین‌داری کاذب خویش تحقق بخشند.

گروه‌های زیر از جمله اقلشاری هستند که به لحاظ همان انحراف اخلاقی و اعتقادی، به فتنه دامن می‌زنند و به عبارتی، آتش‌بیار معرکه فتنه‌اند و در مواردی خود آتش‌افروز فتنه هستند و شعله‌های فتنه را برافراشته نگه می‌دارند:

۱. خواص مردم، یعنی کسانی که از بدو پیروزی انقلاب و حتی قبل از آن، پا به پای انقلاب و حرکت‌های مردمی حضور یافته‌اند تا به تدریج معرّف حضور مردم گشته‌اند، اما به دلایلی، نظر به اینکه جوّ بر وفق مرادشان نگشته است، از انقلاب و نظام بریده‌اند و آب به آسیاب دشمن ریخته و عامل بی‌جیره و بی‌موجب او شده‌اند.

۲. دنیاخواهان و دنیاطلبان که از ابتدای امر هم در اندیشه تأمین دنیا و خواسته‌ها و خواهش‌های دنیایی بوده‌اند و در طول مسیر به هیچ وجه از این تفکر برگشته‌اند و همچنان بر دنیای خود پای می‌فشارند و آنجا که اقتضا کند، دین و نظام اسلامی را به دنیای خود می‌فروشند.

۳. چندچهرگانی که برای تصاحب جایگاه ویژه در انقلاب و نظام، همچون زالو به بدنه و ارکان نظام چسبیده‌اند و از شیره جان نظام مکیده‌اند و به عبارتی مار خورده‌اند و افعی شده‌اند و در پی آن به آلف و الوفی رسیده‌اند. اینان نیز پیشاپیش چراغ سبزی برای ورود دشمن و طمع‌ورزی او و در نتیجه عاملی برای برانگیختن فتنه هستند.

۴. جاهلان و خشک‌مقدسانی که سر در آخور مقدس مآبی و تن در محراب ضلالت و جهالت فرو برده‌اند و آن‌چنان خود را در بی‌خبری نسبت به اوضاع و احوال مردم و انقلاب زده‌اند که گویی آلت دست فتنه‌گران قرار می‌گیرند و هیزم‌بیار فتنه و دست‌کم سیاه‌لشکر فتنه‌انگیزان و توجیه‌کننده اعمال و رفتار ویرانگر آنانند و همواره سند اعتبار و روایی آنان می‌باشند.

۵. عوام، یعنی آن دسته از مردم ساده‌لوحی که تنها به ظواهر

بسند کرده‌اند و قدرت تجزیه و تحلیل جریان‌های فکری و سیاسی را ندارند و نسبت به اوضاع و شرایط همواره در نقاط خاکستری می‌مانند.

غوغاسالاران و فتنه‌گران معمولاً به حضور و کشاندن اینان به شیوه‌های گوناگون در معرکه فتنه امید بسته‌اند و برای حضورشان در فتنه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. اینان معمولاً ناخواسته و ندانسته دستشان به فتنه‌انگیزی آلوده می‌شود و به جای این‌که به هوش بیایند و از معرکه‌ها بگریزند تا راه نجات خویش را بیابند، ساده‌لوحانه و خوش‌باورانه به میدان فتنه‌ها کشانده می‌شوند. این گروه هیزم‌بسیاری از فتنه‌ها خواهند بود.

در فضای تیره و تاریک فتنه‌ها، تنها روحیه ولایت‌مداری همراه با کسب بصیرت و حفظ هشیاری در همه احوال و اوضاع، انسان را از غلتیدن به کانون فتنه‌ها می‌رهاند و فتنه‌گران را از رسیدن به مطامع و اهداف شوم خویش باز می‌دارد. امید آن‌که خداوند، شرّ فتنه‌ها را به دامن اهلش باز گرداند و امت اسلامی را مشمول هدایت‌ها و عنایت‌های بی‌دریغ خود و اولیای خویش قرار دهد و بر تأییدات و طول عمر مبارک مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) بیش از پیش بیافزاید و سایه پربرکت ایشان را بر نظام و انقلاب اسلامی و امت مسلمان مستدام فرماید. در فتنه‌های اخیر، چنانچه درایت و زعامت و رهبری هوشمندانه و ولایت الهی ایشان نمی‌بود، خدا می‌داند چه بر سر نظام و انقلاب و کشور می‌آمد!